



مشاغل خانگی، راهکاری برای دستیابی به امنیت غذایی در مناطق روستایی

محمد رنج کش^۱، محمد کریم معتمد^۲، علی احمدی فیروزجانی^۳
^۱دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی - توسعه روستایی دانشگاه گیلان
^۲دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه گیلان
^۳دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور
Mohamad.devel@gmail.com

چکیده

امنیت غذایی یکی از چالشهای اساسی پیش روی جامعه جهانی است. امروزه یکی از عمده ترین مباحثی که در ارتباط با امنیت غذایی مطرح است، تأمین اشتغال جهت کسب درآمد برای رفع نیازهای غذایی جمعیت جهان است. در این راستا ایجاد مشاغل خانگی با هر هدفی، در نواحی روستایی می تواند در تعدیل مشکلات، تأمین اشتغال و درآمد برای روستاییان تأثیر بسزایی داشته باشد. هدف از تهیه و تدوین این مقاله، بررسی تأثیر مشاغل خانگی بر وضعیت اقتصادی روستاییان جهت نیل به امنیت غذایی می باشد که از روش مطالعه کتابخانه ای و اسنادی منابع داخلی و خارجی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که راه اندازی کسب و کار خانگی با ایجاد فرصت های تکمیلی در کنار فعالیت های درون مزرعه ای و اشتغال نوین در مناطق روستایی در تولید درآمد برای خانوار روستایی نقش اساسی دارد. بنابراین درآمد، عاملی موثر بر توان دسترسی به امنیت غذایی و در واقع عامل افزایش قدرت خرید مردم برای دستیابی به مواد غذایی مورد نیاز می باشد.

کلمات کلیدی: مشاغل خانگی، امنیت غذایی، درآمد، روستا



مقدمه

امنیت غذایی، پیوسته بعنوان هدف اصلی سیاست های توسعه می‌باشد و دسترسی به مقدار کافی مواد غذایی و سلامت تغذیه ای همواره بعنوان یکی از محورهای اصلی توسعه و زیرساخت مهم پرورش نسل های آینده کشور مورد تاکید بوده است. با توجه به اینکه دسترسی به غذای کافی از ابتدایی ترین حقوق انسان هاست، دولت ها موظفند اقداماتی جدی برای بهبود شرایط تغذیه ای توده مردم بعمل آورند. بنابراین، تامین امنیت غذایی مستلزم تلاش در جهت فراهم کردن امکان دسترسی تمام خانواده ها به ویژه اقشار آسیب پذیر و فقیر به مواد غذایی است (بیرس، ۱۸۸۲).

مطالعات نشان می دهد امنیت غذایی یک مقوله چند بعدی می باشد و تأمین پایدار آن با بهبود بسیاری از شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی در جامعه لازم و ملزوم هستند (بخشی، ۱۳۸۶). غذا در سطح جهانی نگرانی عمده و اصلی نیست، چرا که تولیدات غذایی جهان برای جمعیت کنونی کافی است. اما وجود غذا در نواحی خاصی از جهان و دسترسی به غذا توسط اشخاصی خاص همچنان به عنوان مشکل مهم در عمده کشورهای جنوب باقی است. اگرچه وجود غذا سبب نگرانی کنونی نیست، اما دسترسی به غذا و توزیع مواد غذایی هم اکنون مهمترین مشکلات به شمار میروند. برآوردهای پیش بینی شده افزایش تجارت کشاورزی را در سالهای آینده نشان میدهد، تخصصی شدن بیشتر نیز ممکن است رخ دهد؛ در حالی که برخی از کشورهای در حال توسعه ممکن است افزایش تولید محصولات فروشی غیر غذایی را در عوض محصولات پایه غذایی و خوراکی داشته باشند. این امر می تواند تأثیرات بسیاری بر امنیت غذایی محلی و ملی داشته باشد (نائینی، ۱۳۷۸).

امروزه یکی از عمده ترین مباحثی که در ارتباط با امنیت غذایی مطرح است، تأمین اشتغال جهت کسب درآمد برای رفع نیازهای غذایی جمعیت جهان است. امنیت غذایی در سطح فردی مستلزم این است که یا افراد درآمد کافی برای خرید غذا داشته باشند یا بتوانند خود را به طور مستقیم از کشت غذای مورد نیاز تأمین و تغذیه نمایند (شکوری، ۱۳۸۴). در این راستا ایجاد مشاغل خانگی با هر هدفی، در نواحی روستایی می تواند در تعدیل مشکلات، تأمین اشتغال و درآمد برای روستاییان تأثیر بسزایی داشته باشد. لذا هدف از تهیه و تدوین این مقاله، بررسی تأثیر مشاغل خانگی بر وضعیت اقتصادی روستاییان جهت نیل به امنیت غذایی می باشد. آنچه موجب تمایز پژوهش حاضر از سایر پژوهش های مربوط به امنیت غذایی می شود این است که به طور صرف در پی بررسی ریشه های ناامنی غذایی نیست، بلکه در پی بررسی عوامل موثر بر توان دسترسی به امنیت غذایی می باشد. از این جهت درآمد به عنوان عاملی موثر بر توان دسترسی به امنیت غذایی و در واقع افزایش قدرت خرید مردم جهت دستیابی به مواد غذایی مورد نیاز، مورد بررسی قرار می گیرد.

روش تحقیق



در این پژوهش از روش مطالعه کتابخانه‌ای - اسنادی منابع داخلی و خارجی برای رسیدن به هدف تحقیق استفاده شده است. همچنین از اطلاعات موجود در وزارتخانه های کشاورزی، بهداشت و درمان و مؤسسات علمی و پژوهشی وابسته به آنها، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات ملی و اسنادی و اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استفاده شده است.

مفهوم امنیت غذایی

منشأ فکری بحث امنیت غذایی، به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه های امنیت ملی، به بحران غذا در اوایل دهه ۱۹۷۰ در جهان برمی گردد. بر اساس تعریفهای مختلف ارائه شده، امنیت غذایی به مفهوم دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی برای داشتن یک زندگی سالم و پویاست. سال ۱۹۷۵ سازمان ملل متحد امنیت غذایی را چنین تعریف کرد: امنیت غذایی عبارت است از عرضه مستمر کالاهای غذایی اصلی در سطح جهانی به منظور بهبود مداوم مصرف غذا و خنثی کردن اثرات نامطلوب نوسانات تولید قیمت غذا است که در آمد خانوار از عوامل مهم در تامین آن در یک نظام اجتماعی می باشد (قاسمی، ۱۳۷۳). جمهوری اسلامی ایران در سالهای پس از انقلاب همواره به مقوله خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی و همچنین بالابردن ضریب امنیت غذایی تأکید کرده است. این موضوع همواره دارای جایگاه ثابتی در طی برنامه های ۵ ساله اول، دوم، سوم و چهارم توسعه بوده است (قانون برنامه اول، ۱۳۶۹؛ قانون برنامه دوم، ۱۳۷۴؛ قانون برنامه سوم، ۱۳۷۸؛ قانون برنامه چهارم، ۱۳۸۴).

نامنی غذایی به گرسنگی و سوء تغذیه یا هرگونه مخاطره در الگوی مصرف مواد غذایی خانوار تعبیر می شود و در میان فقرا به وضوح دیده می شود. فقر، عامل اصلی نامنی غذایی مزمن، یعنی خطر بروز اختلال در دسترسی به مواد غذایی است. علل و ریشه های ایجاد نامنی غذایی و گسترش آن در جامعه دامنه وسیعی دارد؛ از تولید ناکافی مواد غذایی گرفته تا فقر یا کمبود یک ماده غذایی مغذی و همچنین از کاهش توانایی خرید مواد غذایی؛ بدیهی است جوامعی که بخش انبوهی از افراد آن از سوء تغذیه رنج می برند، هیچ گاه توانایی جسمی و ذهنی کافی برای دستیابی به افزایش کلی تولید و ظرفیت های تولیدی به دست نخواهند آورد (جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷).

از آنجا که یکی از مشخصه های سیستم غذایی پایدار، داشتن درآمد اقتصادی پایدار است، لذا برای تامین امنیت غذایی در یک کشور و نظام اجتماعی باید سازمان ها و نهادها با هم همکاری داشته باشند و با هماهنگی یک سازمان متولی امنیت غذایی، می توانند بر تولید یا واردات مواد و محصولات غذایی، آموزش و تبلیغ و آگاهی دادن به جامعه و سیاست گذاریهای کلان اقتصادی نقش ایفا کنند. سازمان متولی امنیت غذایی باید نسبت به نوع مواد غذایی، میزان و قیمت آنها همیشه مطلع باشد و بررسی کند که همه مردم از نظر فیزیکی به این غذا دسترسی داشته باشند و درآمدها به قدری باشد که بتوانند این غذا را بخرند و این سازمان در صورت بروز بحران باید زنگ خطر را به صدا در آورد و اندازه گیری این امنیت را بر عهده بگیرد. با توجه به اینکه دسترسی به غذا از دو



بعد اقتصادی و فیزیکی مطرح است، لذا اشتغال‌زایی، افزایش درآمد خانوار، در دسترس قرار دادن مواد غذایی مورد نیاز از طریق کشت و زرع و یا فرآیندهای دیگر، ایجاد دسترسی فرهنگی به غذا به معنای در دسترس قرار دادن غذاهای با ارزش سنتی و متناسب با فرهنگ مردم از راهکارهای موثر ایجاد دسترسی به غذا بوده و طبیعتاً فرابخشی خواهند بود.

مفهوم امنیت غذایی بسیار گسترده است و به تعامل دامنه‌ای از عوامل بیولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی و فیزیکی تعیین می‌شود و مستلزم عرضه کافی مواد غذایی در سطح کلان و توزیع عادلانه به منظور دستیابی همه به آن است. همچنین امنیت غذایی یکی از وجوه مهم امنیت ملی است، بدین معنا که عرضه یک سطح بهینه امنیت ملی، مستلزم تدارک سطح بهینه امنیت غذایی می‌باشد. تاریخ روابط بین کشورها نشان می‌دهد که کشورهای قدرتمند در بیشتر موارد از عامل مواد غذایی به مثابه حربه‌ای سیاسی و جهت ایجاد فشار هر چه بیشتر علیه کشورهای دیگر استفاده می‌کرده‌اند (دستگیری و همکاران، ۱۳۸۵).

تأمین امنیت غذایی به مشارکت کلیه بخش‌های اقتصادی- اجتماعی بستگی دارد، در عین حال بخش کشاورزی با افزایش و بهبود کیفیت تولیدات مواد غذایی، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای را در تحقق امنیت غذایی عهده دار می‌باشد. دولت برای جلوگیری از افزایش تورم، همواره به کنترل قیمت محصولات کشاورزی دست زده است. این سیاست باعث شده که میزان درآمد کشاورزان محدود شود و انگیزه‌ای برای افزایش تولید وجود نداشته باشد که این امر در نهایت کشور را دچار چالش‌های اقتصادی و اجتماعی نموده است. بدیهی است که با تداوم وضعیت موجود و با این نوع سیاست‌های قیمت‌گذاری، بنیان‌های تولیدات کشاورزی در بلندمدت تضعیف و یا حتی تخریب می‌گردد که عواقب جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت (جرون، ۲۰۱۴، ۴۷).

دیدگاه جدید که بر تملک و تصاحب منابع و دانش در کشاورزی تأکید دارد، برای کشورهای در حال توسعه اهمیت فراوان دارد، چرا که مدیریت کشاورزی به طور مستقیم در ارتباط با رفع نیازهای غذایی است. رشد جمعیت، تغییر الگوی مصرف و فرسایش منابع طبیعی، برقراری امنیت غذایی را به یکی از دغدغه‌های اساسی تصمیم‌گیران تبدیل نموده و انتظارات از بخش کشاورزی را برای تأمین امنیت غذایی افزایش داده است. براین اساس، با افزایش درآمد کشاورزان که منجر به افزایش تقاضا برای محصولات غیرزراعی در مناطق روستایی می‌شود، تأمین آسان غذا جزو اولویت‌های اساسی در رفع نیازهای غذایی این مناطق محسوب می‌گردد. مشارکت روستاییان و کشاورزان کم‌درآمد در روند توسعه به منظور بهبود معیشت، امنیت غذایی و وضعیت تغذیه‌ای آنان؛ جزو اهداف چارچوب برنامه‌ریزی کشور می‌باشد (نائینی، ۱۳۷۸). چشم‌انداز فائو وجود دنیایی عاری از گرسنگی و سوء تغذیه است که در آن غذا و کشاورزی به بهبود استانداردهای زندگی همگان، بخصوص فقیرترین افراد، به شکلی پایدار از بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌پردازند. در راستای اولویت‌های دولت برای کشاورزی و توسعه روستایی پایدار، تمرکز فائو در میان مدت، بر افزایش سرمایه



گذاری در کشاورزی، به ویژه در سطح زنجیره ارزش به منظور افزایش درآمد و فرصت های شغلی برای افراد فقیر روستایی است.

وضعیت امنیت غذایی در مناطق روستایی جهان و ایران

هدف نهایی از امنیت غذایی در جهان، دسترسی فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی اساسی است. جهت تامین این هدف سه شرط وجود دارد:

۱- تضمین موجودی و کفایت غذا

۲- تضمین ثبات عرضه

۳- تضمین دسترسی خانوارهای فقیر به غذا

رابطه مستقیمی بین فقر و امنیت غذایی وجود دارد، گرسنگی نه تنها ناشی از فقر است بلکه موجب تداوم آن نیز می گردد.

در جهان پیچیده امروز تجارت در بخش غذا سهم قابل توجهی از چالش ها و تهدیدها را به خود اختصاص داده است. بر اساس مطالعات علمی رابطه میان ارزش افزوده بخش کشاورزی و متغیرهای تاثیر گذار بر آن با تاکید بر شاخص تسهیل تجاری در هر کشور باید بصورت دوره ای مورد بررسی قرار گیرد تا میزان دستیابی به امنیت غذایی بعنوان رویکردی برای تامین مواد غذایی سالم، ارزان و فراوان برای همه اقشار جامعه رصد شود و برنامه ریزی ها برای ارتقاء آن ارزیابی و اصلاح شود (جرون، ۲۰۱۴، ۵۰).

امنیت و یا ناامنی غذایی علاوه بر میزان غذای دریافتی و وضعیت تغذیه ای، با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد بنابراین می توان گفت تامین پایدار و مطمئن امنیت غذایی زمانی اتفاق می افتد که شاخصهای تغذیه ای و شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی هماهنگ و در کنار هم به حد مطلوب پایداری رسیده باشند؛ به عبارت دیگر امنیت غذایی با شاخصهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی جامعه در ارتباط و تعامل دو سویه قرار دارد و اگر یک کشوری بتواند از نظر شاخصهای امنیت غذایی به سطح مطلوب پایداری برسد، یقیناً از نظر سایر شاخصها در سطوح بالاتری از توسعه قرار خواهد گرفت (سازمان ملل، ۲۰۰۷).

اگرچه امنیت غذایی از زیرساختهای مختلف عرضه، توزیع مناسب و تغذیه و بهداشت برخوردار است، اما متغیرهای کلان اقتصادی مانند تورم، نرخ اشتغال، درجه فقر، چگونگی توزیع درآمد بین اقشار جامعه، شاخصهای توسعه روستایی و سطح درآمد جامعه و اتکای عرضه به منابع داخلی هر کشور یا واردات، بر آن اثر دارد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ۶۵). باتوجه به موقعیت ژئوپولیتیک استراتژیک و اکونومیک منحصر به فرد ایران، این کشور از دیرباز مورد تهدید و طمع قدرتهای بیگانه ی همسایه و ابرقدرتهای جهانی قرار داشته و دارد از ظرفی امروزه رشد روزافزون جمعیت تغییرات آب و هوایی استفاده ی بی رویه از منابع طبیعی و روند رو به کاهش این منابع و غیره منجر شده است امنیت غذایی به یکی از چالش های پیش روی جوامع بشری تبدیل گردد



کشور ما ایران نیز به سبب موقعیت جغرافیای گرم و نیمه خشکی که در آن قرار دارد در صورت عدم تدبیر مناسب با چالش غذایی روبرو خواهد شد.

در ایران با اینکه شاخص مصرف سرانه انرژی غذایی در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد (۳۰۹۵ کیلوکالری در روز در ۲۰۰۳ و ۳۴۲۴ کیلوکالری در روز در ۲۰۰۵) اما ۲,۷ میلیون نفر معادل ۴ درصد جمعیت کشور مبتلا به سوء تغذیه می باشند (فائو، ۲۰۰۶). همچنین مطالعات نشان می دهند که براساس دسترسی به حداقل کالری مورد نیاز (۲۰۰۰ کیلوکالری در روز) به طور متوسط ۱۷,۷۱ درصد در مناطق روستایی و ۱۴,۲۷ درصد در مناطق شهری ایران در ناامنی غذایی به سر می برند. دلیل عمده این کمبودها، نامطلوب بودن سایر شاخصها و عوامل دخیل در آسیب پذیری و امنیت غذایی (مثلاً شاخص توزیع درآمد^۱) می باشد (جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷).

به عقیده بسیاری از صاحب نظران، بخش روستایی و کشاورزی در بین بخش های اقتصادی اهمیت راهبردی دارد و به نوعی امنیت غذایی که از عناصر تشکیل دهنده توسعه پایدار است، توسط تولید در بخش کشاورزی ایجاد می شود، برای تقویت بخش کشاورزی نیاز به تحول است و تحول بدون فناوری نوین امکان ندارد. در ضمن، ۷۰ درصد تولید کشاورزی کشور در عرصه روستاها انجام می شود و بنابراین توجه به توسعه روستایی و افزایش درآمد روستاییان باعث تقویت و توسعه بخش کشاورزی می شود. از آنجا که بسیاری از روستاییان با مازاد تولید خود روبرو هستند و این مازاد تولید که افزون بر نیازهای داخلی آن ها است، می تواند برای کسب درآمد روستاییان مفید باشد. بنابراین یکی از راهکارهای افزایش درآمد روستاییان، فراهم ساختن زمینه لازم جهت افزایش تولید و بالطبع مازاد تولید بیشتر می باشد.

راهکارهای دستیابی به امنیت غذایی در مناطق روستایی

در جهانی که امروز در آن زندگی می کنیم، کمبود غذا در بسیاری از مناطق و کشورها به مشکلی اساسی تبدیل شده است و حتی در گوشه و کنار دنیا هر از گاهی به بروز قحطی و بحران های جدی منجر می شود. اما در عرصه ملی، تأمین امنیت پایدار کشاورزی از اساسی ترین سیاست ها و راهبردهای نظام است.

امنیت غذایی مقوله ای بسیار گسترده است که بخش های مختلف اقتصادی کشور را شامل بخش کشاورزی، بازرگانی، صنعت، بهداشت و درمان را دربر می گیرد. در این میان بخش کشاورزی یکی از مهم ترین اجزاء این سیستم است که نقش مهمی در ایجاد امنیت غذایی پایدار ایفا می کند (بروکس، ۲۰۱۴، ۸۹). در عین حال امنیت غذایی در نهایت بستگی به موفقیت کشاورزان برای تولید غذای باکیفیت و مازاد بر نیاز خود و رسیدن این مواد غذایی از طریق شبکه پیچیده بازاریابی و کانال های توزیع به دست مصرف کننده دارد. طبعاً در راستای سلامت غذا و تأمین امنیت غذایی در نظام پایدار غذایی مواردی چون تولید محصولات کشاورزی کافی

^۱ بر اساس گزارش ۲۰۰۷ سازمان ملل، دهک بالای درآمدی در ایران ۱۷,۲ درصد برابر دهک پایین درآمدی مصرف می کنند.



و سالم و تولید در عین حفاظت از محیط زیست باید مورد تأکید قرار گیرد، اما رقابت نابرابر بخش کشاورزی در جذب سرمایه که به یک پدیده و معضل جهانی بدل شده در کنار پدیده‌های زیست محیطی و تغییرات اقلیمی که عملاً نیاز بخش کشاورزی را به منابع سرمایه‌ای دوچندان می‌سازد از یک سو تولید داخلی محصولات کشاورزی در بسیاری از نقاط جهان را با بحران روبه‌رو ساخته و از دیگر سو نوسانات قیمت در بازار جهانی غذا هم، تأمین غذا از طریق اتکا به بازارهای جهانی را مشکل ساخته است. در منطقه خاورمیانه محدودیت شدید منابع آب هم محدودیت‌های پیش‌گفته را تشدید می‌کند. به نظر می‌رسد در عین تلاش‌های ملی برای جذب منابع سرمایه‌ای برای ارتقاء نقش تکنولوژی‌های نوین در کشاورزی و افزایش کارآمد استفاده از منابع تولید لازم باشد در چهارچوب اهداف هزاره به دو مسئله سرمایه‌گذاری و تسهیل انتقال تکنولوژی‌های نوین کشاورزی در سطح بین‌المللی بیاندیشیم و برای آنها راهکارهای نهادی جدیدی خلق کنیم.

دولت جمهوری اسلامی ایران با به‌کارگیری همه توان، ظرفیت‌ها و امکانات مادی و معنوی کشور و مشارکت کشاورزان و تولیدکنندگان به‌عنوان صاحبان اصلی بخش کشاورزی، رفع موانع موجود و دستیابی به امنیت غذایی پایدار را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای کشور در چهارچوب برنامه‌های بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت توسعه کشور پیگیری خواهد کرد.

پایداری امنیت غذایی نیازمند ایجاد یک نظام پایدار تولید و توزیع مواد غذایی است. نوسانات تولید، حوادث طبیعی، تورم و بیکاری، شیوع بیماری و جنگ از جمله مسائلی هستند که همواره امنیت غذایی بشر را در نقاط مختلف دنیا تهدید کرده‌اند؛ این وضعیت با توجه به افزایش جمعیت جهان و پیامدهای ناشی از تغییرات آب و هوایی بر تولیدات کشاورزی و توزیع نامتوازن مواد غذایی در جهان، نگرانی‌هایی را درباره تأمین امنیت غذایی به‌وجود آورده است. در کنار مسائل فوق‌رشد درآمد، جهانی شدن، توسعه شهری، قیمت بالای انرژی و تغییرات آب و هوایی چشمگیر نیز بر میزان عرضه و تقاضا به‌عنوان عاملی مهم در رویکرد امنیت غذایی، موثرند.

مفهوم مشاغل خانگی

ایجاد اشتغال پایدار، در سایه فراهم آوردن محیط و کسب و کار، بسط و گسترش می‌یابد. با توجه به این رویکرد می‌توان اشتغال خانگی را میان بر مفیدی در پروسه ایجاد اشتغال و رفع بیکاری گسترده دانست. شغلی که در محیط خانه و با مشارکت فعال اعضای خانواده انجام می‌شود و بازده بیرونی مادی برای تأمین معاش خانواده به همراه می‌آورد. که بنابر تعریف به این صورت است:

مشاغل یا کسب و کار خانگی آن دسته از فعالیت‌هایی است که توسط عضو یا اعضای خانواده در فضای مسکونی در قالب یک طرح کسب و کار بدون مزاحمت و ایجاد اختلال در آرامش واحد‌های مسکونی همجوار شکل می‌گیرد و منجر به تولید خدمت یا کالای قابل عرضه به بازار خارج از محیط مسکونی می‌گردد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ۴۵). در این شیوه فرد شغل خود را به منزل می‌آورد و به جای اینکه هزینه‌های زیادی برای اجاره یا خرید ساختمان بدهد می‌تواند در منزل کار و شغل خود را به انجام برساند در این نوع کسب و کار



ارزش افزوده کالا و خدمات تولید شده نصیب صاحبخانه می گردد. از مهمترین محاسن مشاغل خانگی، کاهش هزینه های خرید همچون ترافیک و صرفه جویی در وقت و انرژی جسمی و روحی، حذف واسطه های غیر ضروری و در نتیجه تقسیم ارزش افزوده کالاها بین تولید کننده اصلی، مصرف کننده اصلی و شبکه توزیع است.

اهمیت مشاغل خانگی

امروزه کسب و کارهای خانگی از بخشهای حیاتی و ضروری فعالیتهای اقتصادی کشورهای پیشرفته محسوب میشوند. کسب و کار خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصول یا خدمات، موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور میشوند. همچنین برای جوانان، کسب و کارهای خانگی نقطه شروع مناسبی برای راه اندازی کسب و کار شخصی است، زیرا راه اندازی آن در مقایسه با دیگر انواع کسب و کار ساده و آسان است.

سابقه مشاغل خانگی

کسب و کارهای خانگی در ایران سابقه دیرینه دارند. بسیاری از صنایع دستی که امروزه هم وجود دارند، در منازل و محل سکونت افراد تولید می شده اند. بطور کلی کسب و کار خانگی پدیده جدیدی نیست، بلکه در نتیجه تغییرات و تحولاتی که در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی امروز به وجود آمده به آن توجه بیشتری شده است و این نوع کسب و کارها روز به روز گسترش و توسعه می یابند.

دلایل انتخاب مشاغل خانگی

بالا بردن کیفیت زندگی: امروزه اکثر صاحبان مشاغل خانگی بر این باورند که کار کردن در خانه، کیفیت زندگی آنان را بهبود می بخشد. کار کردن در خانه باعث میشود که وقت بیشتری به خانواده و خانه اختصاص یابد و به دیگر مسائل و موضوعات خانواده، از قبیل تربیت و پرورش فرزندان توجه بیشتری شود. به طور کلی امروزه کار و زندگی بیش از پیش در همدیگر ادغام شده اند.

توسعه فن آوری: امروزه با پیشرفتهای زیادی که در زمینه علوم رایانه و دیگر وسایل ارتباطی به وجود آمده، محیط خانه محل مناسب و کاراتری برای کسب و کار شده است.

بحث

چالشهای اشتغال یا موضوع کار و بیکاری نه فقط یکی از مهمترین مسائل اجتماعی روز در کشور به شمار می آید بلکه با توجه به میزان رشد جمعیت در دو دهه گذشته می توان آن را مهمترین چالش اجتماعی چند دهه آینده نیز به حساب آورد. پیشرفت های ناگهانی تصاعدی و حیرت انگیز علوم کشاورزی در نیمه دوم قرن بیستم، دیدگاههای علمی مانند اندیشه توسعه پایدار و بهره وری بهینه از منابع مادی و انسانی را مطرح کرده است و ارتقای هر چه بیش تر اقتصاد خانوادهی روستایی به عنوان اساسی ترین عنصر در توسعه بخش کشاورزی و نوعا توسعه روستایی بشمار می رود. با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و موقعیت ویژه ی روستاهای کشورمان، لازم است از پتانسیل های فراوان آن به خوبی استفاده کرد. در راستای حل برخی از مشکلات اقتصادی از جمله معضل بیکاری، می توان به تشکیل و راه اندازی کسب و کار خانگی توجه و اهتمام خاصی



داشت. بطوریکه بتوان با ایجاد درآمد از طریق اشتغال گسترده در مناطق روستایی به نحو موثری امنیت غذایی را در این مناطق بهبود بخشید (مطیعی لنگرودی، ۱۳۹۰).

جوانان در جوامع مختلف نیازمند تامین ضروریات اولیه برای نشان دادن توانایی ها و استعدادها می باشند، زمینه هایی که می توان آنها را در عرصه های تحصیل، کار، اشتغال، ازدواج، مسکن، اوقات فراغت و غیره جستجو کرد، کشورهای مختلف دنیا به ازای امکانات خود و نیازی که به آینده بهتر احساس می شود در این زمینه ها سرمایه گذاری می کنند. مهمترین مشکل امروز و بخصوص جوانان است به نحوی که بسیاری از جوانان کشور به دلیل بیکاری و عدم اشتغال مناسب مجبور شده اند به سوی مشاغل کاذب سوق پیدا کنند و میزان بزهکاری در جامعه افزایش یابد. بطوری که امنیت شغلی، تغییر در وضعیت مسکن، تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی و کالاهای بادوام، میزان مشارکت و ادامه زندگی در روستا از پیامدهای بارز مشاغل خانگی بر روی شاغلین روستایی بوده است (همان).

با توجه به زیرساخت های موجود در مناطق روستایی، به دلیل عدم اشتغال در این مناطق، انگیزه شهرنشینی در بین روستاییان وجود دارد و از آنجا که مهم ترین اهداف مشاغل خانگی، ایجاد اشتغال و نگه داشتن روستاییان، کمک به توزیع عادلانه منابع و حمایت از تولیدات روستاها است، می توان با گسترش آن افزایش درآمد و بالطبع افزایش رفاه روستاییان را فراهم نمود.

اصولاً منبع اصلی درآمد هر فرد یا خانوار، درآمد ناشی از کار یا شغلی است که فرد یا افراد نان آور خانواده به آن مشغولند و عمده درآمد آنان از طریق فعالیت های کاری مربوط به امرار معاش تأمین می شود که سهم عمده ای را در برآوردن نیازهای ضروری خانوار اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و غیره ایفا می کند. بنابراین، نقطه آغاز هر حرکتی در محیط روستایی، برنامه ریزی برای ایجاد اشتغال و درآمد، به ویژه برای جوانان روستایی است که وارد بازار کار می شوند و برای تأمین معاش خود در جریان زندگی باید شاغل شوند (همان).

محدودیت امکانات اشتغال در روستاها از یک سو و توسعه خدمات و امکانات در نواحی شهری از سوی دیگر، سبب افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها می گردد، و با توجه به اینکه کشاورزی از نظر ایجاد اشتغال جدید، قادر به پاسخگویی نیازهای شغلی جوانان روستایی نیست، ضرورت صنعتی شدن روستاها به عنوان یکی از راه حل های مناسب برای ایجاد اشتغال، افزایش درآمد روستاییان، جلوگیری از مهاجرت به شهرها و بلاخره توسعه صنعتی کشور بیشتر احساس می شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۱، ۵۰).

همچنین در جوامع روستایی معمولاً تمام، یا بخش بزرگی از اعضای یک خانواده از راه فعالیت های بومی مانند کشاورزی، دامداری و غیره کسب درآمد می کنند. راه اندازی کسب و کار خانگی با ایجاد فرصت های تکمیلی در کنار فعالیت های درون مزرعه ای، اشتغال نوین در مناطق روستایی را در پی دارد. با این تفاسیر می توان بیان کرد که کسب و کارهای خانگی در روستا نقش اساسی در تولید درآمد برای خانوار



روستایی دارند. حال اگر از این بُعد به قضیه نگاه کنیم، باید انتظار داشته باشیم هر خانوار روستایی بسته به شغل و کسب و کاری که دارد، در ایام خاصی از سال و یا حتی ساعات به خصوصی در طول روز فراغت داشته باشد. بعنوان مثال یک شالیکار در سرتاسر سال، تنها دو فصل به کاشت و داشت و برداشت می‌پردازد و بقیه‌ی سال را باید با درآمد حاصل از آن دو فصل بگذرانند، این نوع بیکاری، در اصطلاح، بیکاری فصلی است که می‌توان با بهره‌گیری از مشاغل خانگی در جهت پر نمودن اوقات فراغت با هدف کاهش بیکاری فصلی، به منظور افزایش درآمد در روستا دست یافت.

بدین وسیله پدیده بیکاری جز با افزایش سرمایه‌گذاری‌های مولد و پایدار حل نخواهد شد و از آنجا که سهم اصلی سرمایه‌گذاری باید از سوی بخش خصوصی تامین می‌شود، بنابراین اولین و موثرترین گام، بهبود فضای کسب و کار است و فقط از این طریق است که فعالان اقتصادی می‌توانند با سرمایه‌گذاری خود، وضعیت اقتصاد و اشتغال و تورم را بهبود بخشند.

در عین حال باید توجه داشت برای فقرا، مشاغل روستایی غیرکشاورزی راه نسبتاً آسانی برای نجات از فقر است. چرا که ایجاد مشاغل روستایی غیرکشاورزی معمولاً نیاز کمی به سرمایه یا آموزش دارد و فرصت مناسبی برای کار و افزایش درآمد فراهم می‌آورد.

کشاورزی در مناطق روستایی کشور به صورت صنعتی وجود دارد و تا حد زیادی هم به شرایط محیطی و آب و هوایی وابسته است. با توجه به این که بیشتر فعالیتهای کشاورزی در مناطق روستایی انجام میشود، گسترش سرمایه‌گذاری در این بخش را علت ایجاد فرصتهای شغلی بیشتر در مناطق روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها میدانند. اما بهترین و مطمئن‌ترین راه برای بهبود اقتصاد روستایی و افزایش درآمدهای روستایی جستجوی فعالیت‌هایی است که به شرایط اقلیمی وابستگی کمتری داشته باشد و از مهم‌ترین فعالیت‌های موجود در این زمینه می‌توان به صنایع روستایی اشاره کرد. راه‌اندازی کسب و کار خانگی یکی از راه‌های کاهش شکاف و افزایش زمینه‌های درآمد و اشتغال در مناطق روستایی است که به محیط و شرایط محیطی کم‌تر وابسته می‌باشد. با توجه به مباحث ذکر شده عوامل اقتصادی به عنوان مهمترین پارامتر در برآوردن نیازهای ضروری خانوار، از جمله امنیت غذایی محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

جامعه جهانی برای از بین بردن گرسنگی در جهان منابع و تخصص لازم را در اختیار دارد. با توجه به مسئولیت دولت‌ها در قبال تامین غذا برای همه شهروندان خود، برنامه‌های ملی کمک‌های غذایی و اکشن فوری جهت اجرای سطوح اولیه استراتژی امنیت جهانی غذا می‌باشد. از آنجا که محدودیت امکانات اشتغال در روستاها از یک سو و توسعه خدمات و امکانات در نواحی شهری از سوی دیگر، سبب افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها می‌گردد، و با توجه به اینکه کشاورزی از نظر ایجاد اشتغال جدید، قادر به پاسخگویی نیازهای شغلی جوانان روستایی نیست، ضرورت صنعتی شدن روستاها به عنوان یکی از راه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال، افزایش



درآمد روستاییان، جلوگیری از مهاجرت به شهرها و بلاخره توسعه صنعتی کشور بیشتر احساس می شود در این راستا راه اندازی کسب و کار خانگی با ایجاد فرصت‌های تکمیلی در کنار فعالیت‌های درون مزرعه ای، اشتغال نوین در مناطق روستایی را در پی دارد.

ایجاد اشتغال پایدار، در سایه فراهم آوردن محیط و کسب و کار، بسط و گسترش می یابد. با توجه به این رویکرد می توان اشتغال خانگی را میان بر مفیدی در پروسه ایجاد اشتغال و رفع بیکاری گسترده دانست. شغلی که در محیط خانه و با مشارکت فعال اعضای خانواده انجام می شود و بازده بیرونی مادی برای تامین معاش خانواده به همراه می آورد. براین اساس، با افزایش درآمد افراد که منجر به افزایش تقاضا برای محصولات غیرزراعی در مناطق روستایی می شود، تامین آسان غذا جزو اولویت های اساسی در رفع نیازهای غذایی این مناطق محسوب می گردد. از آنجا که مهم ترین اهداف مشاغل خانگی، ایجاد اشتغال و نگه داشتن روستاییان، کمک به توزیع عادلانه منابع و حمایت از تولیدات روستاها است، می توان با گسترش آن به افزایش درآمد و بالطبع افزایش رفاه در روستا دست یافت. چون درآمد به عنوان عاملی موثر در توان دسترسی به امنیت غذایی و در واقع افزایش قدرت خرید مردم جهت دستیابی به مواد غذایی مورد نیاز می باشد، می توان با برنامه ریزی در محیط روستایی برای ایجاد اشتغال و درآمد، به ویژه برای جوانان، کمک شایان توجهی به رویکرد امنیت غذایی نمود.

منابع

- بخشی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «تحلیلی بر جایگاه جامعه روستایی در سند ملی چشم انداز» دومین همایش ملی توسعه روستایی، مؤسسه توسعه روستایی ایران، تهران.
- پوراحمد، احمد و همکاران. (۱۳۸۱)، «نقش نواحی صنعتی در اشتغال و کاهش مهاجرت‌های روستایی»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، ص ۴۳-۵۶.
- جعفری ثانی، مریم و محمد بخشوده (۱۳۸۷)، «بررسی توزیع مکانی فقر و ناامنی غذایی خانوارهای شهری و روستایی به تفکیک استانی در ایران» فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۶۱.
- دستگیری، سعید و دیگران (۱۳۸۵)، «عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی: یک مطالعه مقطعی در شهر تبریز» مجله علمی-پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۳)، «ضرورت‌های کارکردی توسعه اشتغال در بخش کشاورزی» اقتصاد کشاورزی و توسعه بهار ۱۳۸۳؛ ۱۲(۴۵): ۴۱-۶۸.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۹)، «قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)، «قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» تهران، سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸)، «قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی



ایران» تهران، سازمان برنامه و بودجه.

- ۹) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴)، «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» تهران، سازمان مدیریت و برنامه و بودجه.
- ۱۰) شکوری، علی (۱۳۸۴)، «سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران» سمت.
- ۱۱) قاسمی، حسین (۱۳۷۳)، «تعاریف و مبانی نظری امنیت غذایی» تهران: فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه ای (ویژه نامه امنیت غذایی)، سال دوم، شماره چهارم.
- ۱۲) مطیعی لنگرودی، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، « توسعه و صنعتی سازی روستا» انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۳) نوری نائینی، محمد سعید (۱۳۷۸)، «امنیت غذایی و توسعه کشاورزی» موسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

- 14) Brooks, J. (2014), «Policy coherence and food security: The effects of OECD countries' agricultural policies» Food Policy, Volume 44, Pages 88-94.
- 15) FAOSTAT (2006), « agricultural structure (production, price, valu)»
- 16) J. Byres, T. J (1982), « Agrarian Transition and Agrarian Question, in Harriss».
- 17) Jeroen J.L, at all, (2014), «Disentangling the consensus frame of food security: The case of the EU Common Agricultural Policy reform debate» Food Policy, Volume 44, Pages 47-58.
- 18) United Nations (2007), «Human development report, UNDP».